

واکاوی تعارض استرداد مجرمین با مفهوم حقوق بشر دوستانه اروپایی

غلامرضا کریمی^۱

چکیده:

در حقوق بین‌الملل و جامعه‌شناسی جرم بر اخراج و همچنین استرداد مجرمین اصول و قواعدی حاکم است که در تمام جهان پذیرفته شده است و اخراج و استرداد مجرمین از جمله مباحث دیرینه در حقوق بین‌الملل بوده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان رکن قضایی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه خود در خصوص برخی از این تعارضات آرائی را صادر نموده است. بر این اساس، درنوشته حاضر تأثیر حقوق بشر مصرح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر مسئله اخراج و استرداد مجرمین در رویه کشورهای عضو این کنوانسیون با عنایت به آراء دیوان حقوق بشر مورد مذاقه قرار گرفته است. لکن با اینکه تمامی تمهیدات بازدارنده علیه مرتکبین جرم برای ممانعت از فرار به سایر کشورها و تعقیب کیفری آنان به کار گرفته می‌شود، در بسیاری موارد، تبهکاران پس از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن، به طرق مختلف به فرار از کشوری که در آن مرتکب جرم شده‌اند، مبادرت می‌کنند.

واژگان کلیدی: استرداد مجرمین، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر،

مجازات اعدام، حقوق بشر

^۱ - کارشناس ارشد علوم اجتماعی، گرایش برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

گسترش روزافزون ارتباطات و از میان رفتن بسیاری از موانع، جوامع بشری را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است؛ این قرابت و نزدیکی علاوه بر محاسن بسیار زیادی که دربردارد مشکلاتی را نیز موجب شده است. سرعت در حمل و نقل و امکانات فراوان مسافرتی مورد سوء استفاده عده قلیلی از مجرمین قرار گرفته که مرتکب جرایم مهمی چون؛ قتل، سرقت مسلحانه، آدم ربائی و شده‌اند و قبل از اینکه در محل ارتکاب جرم دستگیر شوند از محل وقوع جرم می‌گریزند تا کسی نتواند به آنها دسترسی پیدا کند و یا جرمی را علیه منافع کشوری در خارج از قلمرو صلاحیتی آن کشور انجام می‌دهند و از آنجا که عدالت مستلزم آن است که متهمین و مجرمین فراری در سایر کشورها احساس آسایش و امنیت نمایند، لذا در جهت ایجاد همکاری بین‌المللی در زمینه مجازات مجرمین، مسأله استرداد و اخراج مجرمین مطرح شده است. در این بین پس از تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که تضمینی است برای حفظ و حمایت از حقوق بشر در جوامع اروپایی، برخی مجرمینی که موفق به فرار به کشورهای اروپایی می‌شوند، علیرغم وجود معاهدات استرداد در برخی موارد به لحاظ منع اعمال تعدادی از مجازات‌هایی که این کنوانسیون آنها را مصداق تضييع حقوق بشر می‌داند، از دادگاه اروپایی حقوق بشر تقاضای عدم استرداد و اخراج خویش به کشور مبدأ که در آن خطر اعمال چنین مجازات‌هایی برای ایشان وجود دارد، را می‌نمایند. بر این اساس به لحاظ اهمیت، مسئله حقوق بشر در جهان امروز و مشکلات ناشی از نقض حقوق بنیادین بشر عموماً توسط دولتها و راهکارهای مقابله با نقض آشکار این حقوق، در مقاله پیش‌رو مسئله اخراج و استرداد در کشورهای اروپایی و عملکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص حمایت از حقوق بشر در مقابل برخی پیامدهای اخراج و استرداد مجرمین که ناقض مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پیش از اینکه به مبحث اصلی نوشتار حاضر یعنی «اخراج و استرداد مجرمین در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با عنایت به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در جهت حمایت از حقوق مصرح در کنوانسیون» ورود پیدا کنیم، نظر به اینکه در حقوق بین‌الملل بر اخراج و استرداد مجرمین اصول و قواعدی حاکم است، که در تمام جهان پذیرفته شده است، لازم به نظر می‌رسد برای ورود به بحث ابتدائاً توضیح مختصری در باب این اصول و قواعد داده شود. بنابراین، مقاله پیش‌رو شامل سه مبحث می‌باشد، که در مبحث ابتدایی کلیات مسئله استرداد و اخراج و شرایط آنها و در این مقاله به بحث جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جرم از منظر پدیدارشناختی پرداخته شده است به این معنا که جرم پدیده‌ایی است که حاصل بستر و زیست جهان مجرمینی است که در آن زندگی می‌کنند و لذا نمی‌توان برای جرم تعریف

مشخص بیان نمود و لذا در حقوق بین‌الملل کنوانسیون‌ها و مفاد بی‌شماری به وجود می‌آید، و سپس در مبحث بعدی به بررسی استرداد و اخراج مجرمین در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرداخته و در مبحث آخر تأثیر مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و روبه دیوان اروپایی حقوق بشر بر روند اخراج و استرداد مجرمین را مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله درصدد است بین مساله جرم از نظر جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه تحت تأثیر هوسرل که در جامعه‌شناسی از طریق شوتس و برگر و لاکمان دنبال می‌شود و مساله این پژوهش آن است که کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل در زمینه جرم و استرداد مجرمان در اثر زیست جهان و فضای بینا‌الذہانی بوده است که شکل گرفته است و این کنوانسیون‌ها با توجه به واقعیت زندگی روزمره شکل گرفته است و در خلاء شکل نگرفته است.

مبحث اول

کلیاتی در باب اخراج و استرداد مجرمین

موضوع اخراج با موضوع استرداد از نظر مبانی دارای تفاوت‌های اساسی است هرچند که این دو در عمل دارای تفاوت چندانی نیستند. بدین معنا که از نظر مبنایی اخراج به عمل یکجانبه دولت اطلاق می‌شود که فرد مجرم خارجی را از قلمرو کشور خود اخراج می‌کند؛ این در حالی است که استرداد مجرمین همانطور که در بخش‌های آتی به توضیح آن می‌پردازیم، عملی است دو جانبه بین کشور فرستنده و کشور متقاضی استرداد بدین معنا که کشور متقاضی استرداد، از کشور فرستنده تقاضای استرداد وی را جهت محاکمه یا مجازات می‌نماید (Katz at 16-17) و در صورت وجود معاهده استرداد میان این دو کشور، کشور فرستنده موظف است براساس معاهده فی مابین شخص مجرم را به کشور متقاضی مسترد نماید. بدین معنا که؛ استرداد مجرمین مسئله‌ای نیست که حق طبیعی دولتها باشد؛ بلکه صرفاً بر مبنای معاهدات دو یا چند جانبه استرداد یا براساس شرط عمل متقابل دولتها انجام پذیر می‌باشد. پس از بیان این مقدمه کوتاه ارائه تعاریف لغوی و حقوقی اخراج و استرداد جهت روشن‌تر شدن مطلب اهمیت خواهد داشت؛ براین اساس اخراج در لغت به معنی بیرون کردن است. (عمید، ۱۳۶۹: ۱۵۲)

در تعریفی دیگر، اخراج به معنی بیرون کردن اجباری فرد از کشور توسط فرمان رسمی در خصوص تعریف استرداد نیز بیان می‌شود. (Houghton Mifflin Company, 2004: 826) لازم به ذکر است که استرداد در لغت به معنای باز پس خواستن و درخواست بازگردانیدن آمده است (عمید، همان: ۱۶۴) و در اصطلاح حقوقی، عبارت است از باز پس گرفتن مجرمی که از کشوری به کشور دیگر گریخته است به وسیله دولت تقاضا کننده، از دولتی که مجرم به آنجا

گریخته است. این عمل مسبوق به توافق و یا قرارداد دو کشور است. (آخوندی، ۱۳۸۲: ۳۱۲) به عبارت دیگر استرداد مجرمین پس گرفتن متهم یا محکوم علیه است که پس از ارتکاب جرم و یا قبل از اجرای حکم محکومیت از قلمرو سرزمین محل وقوع جرم خارج شده است (جعفری لنگرودی ۱۳۸۴: ۳۶) و یا جرم را خارج از قلمرو دولتی که صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارد، انجام داده است. (ولیدی، ۱۳۸۲: ۱۷۵)

در ارتباط با منابعی که در بحث اخراج و استرداد که دولتها به آن استناد می‌کنند، لازم به ذکر است که، از آن جهت که اخراج عمل یکجانبه دولتهاست تنها تابع قوانین داخلی و اراده حاکمیت هاست. البته این قوانین و تصمیمات حاکمیتی ممکن است تحت تأثیر عرف و عادت بین‌المللی که در این خصوص وجود دارد قرار گیرند. حقوق استرداد مجرمین تابع مواردی است، که عبارتند از: معاهدات بین‌المللی: معاهده توافقی است بین دو یا چند تابع حقوق بین‌الملل. در خصوص مسئله استرداد مجرمین معاهدات بین‌المللی زیادی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی - کنوانسیون منع و مجازات ژنوساید که در سال ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید- کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین ۱۹۵۷ بین کشورهای عضو شورای اروپا- کنوانسیون ۱۹۹۵ درباره تسهیل تشریفات استرداد مجرمین، میان دول عضو اتحادیه اروپا- کنوانسیون ۱۹۹۶ مربوط به استرداد مجرمین میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا که جایگزین کنوانسیون ۱۹۵۷ شد، قوانین داخلی کشورها که دولتها بر اساس اصل حاکمیت خود موادی را به قواعد و نظامات استرداد در قوانین داخلی خود اختصاص می‌دهند؛ که در آن جرائمی که مجرمین آن قابل استرداد و غیرقابل استرداد هستند، ذکر شده و طرز عمل و شرایط و جریان استرداد و جزئیات آن را به طور کامل تبیین می‌نماید. (عباسی، ۱۳۷۳: ۶۶) {قوانین داخلی استرداد برخلاف معاهدات بین‌المللی استرداد سند یک طرفه ای است که در صورت عدم وجود معاهده به آن استناد می‌شود (فاطمی شریعت پناهی، ۱۳۵۰: ۲۲)}

موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر

از جمله این قوانین می‌توان از قانون استرداد مجرمین ایران ۱۳۳۹ و قانون استرداد مجرمین کشور فرانسه نام برد. اصول کلی این اصول که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تحت عنوان «اصول کلی حقوقی که مورد قبول ملل متحد جهان هستند» ذکر شده است. در این زمینه می‌توان از اصولی چون، اصل دوام دولتها، اصل عدم اعاده یاد کرد. برخی از این اصول در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است که به عنوان مثال می‌توان از موارد

زیر نام برد: اصولی که در خصوص استرداد در سال ۱۸۸۰ در مؤسسه حقوق بین‌الملل در آکسفورد تأیید شده و در ۲۶ ماده تنظیم گردیده است، تصمیمات کنگره بین‌المللی پلیس جنائی که در سال ۱۹۱۴ در موناکو تشکیل گردید، تصمیمات کنگره قضایی سال ۱۹۱۴ مسکو که به موجب آن انعقاد یک قرارداد بین‌المللی استرداد توصیه شده است، تصمیمات کنگره بین‌المللی اصلاح مجرمین و اصول اداره زندان‌ها (فاطمی شریعت پناهی، ۱۳۵۰: ۲۳) عرف بین‌المللی که نقش اساسی در تشکیل حقوق بین‌الملل داشته و زمانی طولانی پیکره اصلی آن را تشکیل می‌داده است. (هنجی، ۱۳۷۲/۴/۱۲)

همچنین باید به این نکته اشاره کنیم، که صلاحیت رسیدگی به جرایم بر مبنای چند گزاره تعیین می‌شود که بر اساس قوانین داخلی کشورها تفاوت‌هایی در این گزاره‌ها مشاهده می‌شود. اولین معیار صلاحیت، سرزمین محل ارتکاب جرم است که به صلاحیت سرزمینی معروف است و براساس آن، دولت‌ها می‌توانند، رفتارهای مجرمانه انجام شده در قلمرو خود را تحت کنترل درآورده و مقررات کیفری خود را نسبت به مجرمین اعمال نمایند، این اصل که به طور کامل از سوی جامعه جهانی پذیرفته شده است و (Bassiouni, 1974: 204) بر حاکمیت سرزمینی دولت‌ها بر قلمرو تحت صلاحیتشان تأکید داشته و از جمله ابتدایی‌ترین اشکال صلاحیت به شمار می‌رود. بر این اساس هر حکومتی نسبت به جرایم ارتكابی در حوزه سرزمینی‌اش صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. معیار بعدی صلاحیت، تابعیت است که تا حدی در نظام‌های حقوقی مورد قبول واقع شده است. (Ibid: 251) براساس اصل تابعیت، دولت می‌تواند، اتباع خود را که جرایمی در خارج از قلمروش مرتکب شده‌اند، صرف نظر از تأثیر این جرایم بر دولت متبوع، مورد محاکمه قرار داده و مجازات نمایند. (کرم زاده، ۱۳۸۱: ۷۳) به‌علاوه گاه ارتکاب برخی جرایم صرف نظر از محل وقوع جرم به دلیل صدمه زدن به امنیت و تمامیت ارضی کشوری، موجب صلاحیت یافتن آن دولت برای محاکمه می‌شود که به آن "صلاحیت واقعی" می‌گویند. (Kamminga, 2001: 941)

مبحث دوم

استرداد و اخراج مجرمین در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ابتدا باید به این پرسش پاسخ گفت که اصولاً حقوق بشر چه ارتباطی یا تأثیری می‌تواند بر استرداد و یا اخراج داشته باشد. مسلم است تا چند دهه قبل طرح ارتباط یا تداخل مباحث حقوق بشر با استرداد و اخراج موردی نداشت. اما با وجود برخی اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز با تأسیس دیوان اروپایی حقوق بشر، در جهت تضمین حقوق بشر مصرح در کنوانسیون، مسئله تأثیر حقوق بشر بر اخراج و استرداد به طور

جدی مطرح شد. بر این اساس در جهت پاسخ به این سوال، در این مبحث، نخست از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر به صورت اجمالی سخن به میان آورده و سپس ارتباط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با مسئله اخراج و استرداد مجرمین را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

بند اول

کنوانسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ که در سپتامبر سال ۱۹۵۳ لازم الاجرا گردید، گامی مهم در اجرای جنبه‌های خاصی از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ می‌باشد. (زمانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸) که به لحاظ تضمین اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون: ۱. عمل مجرم باید در هر دو کشور جرم محسوب شود ۲. نمی‌توان متهم را نسبت به اتهامی که پس از تسلیم وی به دولت تقاضا کننده از او کشف شده مجازات نمود؛ مگر در صورت جلب رضایت دولت استرداد کننده.

کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر سپس کمیسیون به موجب پروتکل الحاقی شماره ۱۱ حذف و از آن پس دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۹۸ به طور مستقل کار خویش را آغاز نمود. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یکی از موفق‌ترین نظام‌های حقوق بشری دنیا تلقی می‌شود. دیوان صلاحیت رسیدگی به دادخواست‌های فردی یعنی، دادخواست‌هایی که توسط هر شخص، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد که مدعی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون یا پروتکل‌های آن هستند و همچنین دادخواست‌های دولتهای عضو نسبت به یکدیگر را دارا می‌باشد؛ مضافاً اینکه دیوان می‌تواند به درخواست کمیته وزرا - موضوع ماده ۴۷ کنوانسیون - در خصوص مسائل حقوقی مربوط به تفسیر کنوانسیون، نظریه‌های مشورتی صادر نماید (زمانی، همان: ۴۳-۴۲) بر این اساس، همانطور که در مبحث اول توضیح داده شد؛ درست است که استرداد رابطه بین دو دولت است و اخراج فرمان حاکمیتی یک دولت است، با این وجود امروزه در عرصه حقوق بین‌الملل، فرد در تجزیه و تحلیل‌ها، صاحب حق یا موضوع حق قرار گرفته است. با رویه‌ای که دیوان اروپایی حقوق بشر اتخاذ نموده است، افراد خصوصی نیز حتی برخلاف تصمیم دولت محل اقامتشان، می‌توانند به این دیوان شکایت کرده و بعضاً به نفع خود موفق به اخذ رای گردند.

بند دوم

ارتباط مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با اخراج و استرداد مجرمین

در بحث ارتباط یا تأثیر مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در اخراج و یا استرداد مجرمین

باید به این نکته اشاره کنیم که به موجب ماده یک کنوانسیون تعهد کشورهاست که به هیچ عنوان محدودیتی در خصوص اجرای آزادانه اصول حقوق بین‌الملل عمومی و همچنین محدودیت در تعهداتی که به موجب کنوانسیون بر عهده گرفته‌اند، اعمال نمایند. براین اساس است که ایشان می‌بایست حقوق و آزادی‌های حقوق بشری را که در بخش یک کنوانسیون قید گردیده است برای هر کس که در قلمرو صلاحیت آنها قرار دارد، اجرا نمایند. لذا با عنایت به صراحت و جامعیت ماده یک کنوانسیون مبنی بر «رعایت اصول حقوق بشری در خصوص افرادی که در قلمرو ایشان قرار دارند» کشورها نمی‌توانند با مطرح کردن موضوعاتی مانند عدم تابعیت و... نسبت به رعایت و یا عدم رعایت موازین حقوق بشری از ناحیه کشوری که متقاضی استرداد می‌باشد یا کشوری که مجرم به آنجا اخراج می‌شود بی‌تفاوت باشند؛ نتیجه اینکه کشورها به عنوان طرف‌های متعهد به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متعهد به اعمال حقوق بنیادین بشری طی فرآیند اخراج یا استرداد از زمان دستگیری یک نفر تا زمان انتقال به کشور متقاضی می‌باشند و چنانچه اخراج و یا استرداد فرد را در معرض تضییع این حقوق در کشور متقاضی یا کشوری که فرد به آنجا اخراج می‌شود، قرار دهد، دولت عضو کنوانسیون موظف به اخذ تضمینات عینی از کشور مورد نظر در خصوص احترام به این حقوق بنیادین در صورت استرداد و اخراج می‌باشند. همچنین پروتکل شماره ۴ کنوانسیون اروپایی: ۱. ماده چهارم یکم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: در صورتی که دیوان نقض کنوانسیون یا پروتکل‌های آن را اعلام کند و حقوق داخلی کشور متعهد ذریب‌ط صرفاً جبران خسارت جزئی را مجاز بداند، دیوان می‌تواند در صورت لزوم برای متضرر تأمین خساراتی منصفانه را تعیین کند. ۲. ماده یکم کنوانسیون: اعضای معظم متعهد باید برای هر کس که در قلمرو صلاحیت آنها قرار دارد، حقوق و آزادی‌های مندرج در بخش یکم این کنوانسیون را تأمین کنند.

مبحث سوم

تأثیر مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بر روند اخراج و

استرداد مجرمین

در این قسمت موادی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص عدم اخراج و استرداد مورد استناد قرار گرفته‌اند، بررسی می‌گردد. این مواد که از مطالعه پرونده‌های مطروحه در این زمینه در دیوان اروپایی حقوق بشر و با عنایت به مواد استنادی این دیوان در خصوص عدم اخراج و یا استرداد حاصل می‌گردد؛ با توجه به عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر متغیر خواهد بود و چندان دور از ذهن نمی‌باشد که با گذشت زمان و

گسترش میل و رغبت جامعه جهانی به اعمال حقوق بشر، مواد دیگری نیز در مورد حکم عدم اخراج و یا عدم استرداد مورد استناد قرار گیرد. از این رو در حال حاضر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، متهمین یا مجرمین به ارتکاب جرایمی را که در صورت اخراج از کشور و یا استرداد به کشور متقاضی در معرض تضییع حقوق مندرج در مواد «۲حق حیات»، «۳منع شکنجه»، «۵ حق آزادی و امنیت»، «۸حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی» و «حق جبران موثر» کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار می‌گیرند، را در مقابل نقض این حقوق که کنوانسیون برای آنها به رسمیت شناخته است، حمایت می‌نماید. حال با این توضیحات در ذیل به بررسی این مواد و رویه دیوان در ارتباط با عدم اخراج و استرداد در جهت حفظ این حقوق می‌پردازیم.

بند اول

عدم استرداد و اخراج به استناد ماده دو کنوانسیون

ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق هر شخص را نسبت به زندگی خود مورد حمایت قرار می‌دهد. بند اول این ماده شامل استثنائی است که آن، اعدام قانونی در پی حکم دادگاه می‌باشد. از طرفی بند دوم این ماده مرگ ناشی از دفاع از خود یا دیگری، دستگیری مظنون یا فراری، سرکوب شورش یا قیام به مقداری که ضروری باشد را نقض ماده ۲ نمی‌داند. البته در خصوص اعدام قانونی توسط حکم دادگاه، پروتکل‌های ۶ و ۱۳ محدودیت بیشتری برای آن دسته از کشورهای متعهد کنوانسیون که این پروتکل‌ها را امضاء کرده‌اند، اعمال نموده است. پروتکل شماره ۶ الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر اروپا توسط شورای اروپا در ۲۸ آوریل سال ۱۹۸۳ تصویب شده و در مورد لغو مجازات اعدام است به جز در زمان جنگ و حتی در زمان خطر قریب الوقوع جنگ نیز قابلیت اجرا ندارد. (Council of Europe, 1994:28) بر این اساس در سال ۲۰۰۲ پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب گردید؛ که مجازات اعدام را در تمامی شرایط و به صورت مطلق لغو کرده است. (R. Mowbray, 2007.1032.1) ماده دوم: ۱- حق حیات هر شخص باید به وسیله قانون حمایت شود. هیچ کس نباید عمداً از حق حیات خویش محروم شود، مگر در اجرای حکم دادگاه در پی محکومیت وی به ارتکاب جنایتی که برای آن به موجب قانون مجازات مزبور مقرر شده است؛ ۲- هرگاه به کار گرفتن زور به یکی از دلایل زیر مطلقاً ضروری باشد و موجب سلب حیات گردد این امر نقض این ماده تلقی نخواهد شد:

الف: در دفاع از هر شخصی در مقابل تعدی غیر قانونی.

ب: به منظور انجام دستگیری قانونی یا جلوگیری از فرار شخصی که قانوناً بازداشت شده است.

ج: در عملی قانونی که به منظور سرکوب شورش یا قیام صورت می‌گیرد.

دیوان اروپایی حقوق بشر تا سال ۱۹۹۵ هیچ قاعده‌ای را بر حق حیات حاکم نکرده بود، لکن در قضیه McCann علیه انگلستان حکم کرد که در هیچ زمانی نمی‌توان حق حیات را سلب نمود جز در موارد مشمول بند دو از ماده دو. اما در هر حال، موقعیت‌هایی که در آن استفاده از زور مجاز است، ممکن است نتیجتاً منجر به مرگ و محرومیت از زندگی شود. همچنین دیوان برای دولتها سه وظیفه اصلی را بر مبنای ماده دو برشمرد: ۱- ممنوعیت کشتن غیر قانونی؛ ۲- بررسی مرگ‌های مشکوک؛ ۳- در برخی شرایط باید از مرگ‌های قابل پیش‌بینی جلوگیری کنند. (Ovey & white, ibid:56) بنابراین، ماده ۲ کنوانسیون و ماده ۱ پروتکل شماره ۱۳ آن، در واقع استرداد یا اخراج اشخاص به کشور دیگری که خطر واقعی مواجهه فرد با مجازات اعدام در آن وجود دارد را در تمامی شرایط منع کرده است. (Mole, 2007:53-55) در ارتباط با این مواد شکایات متعددی در خصوص منع اخراج و استرداد در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح گردیده است، که از آن جمله است پرونده‌های هاکیزیمانا علیه کشور سوئد، کابلو علیه کشور اوکراین و... براین اساس در ذیل به بررسی دو مورد از این موارد می‌پردازیم:

الف- پرونده بادر و دیگران علیه کشور سوئد

این پرونده در خصوص استرداد خواهان‌ها است که تبعه کشور سوریه می‌باشند و در سوئد اقامت دارند؛ در این قضیه، آقای بادر در سال ۱۹۹۸ در سوریه به همراه برادرش با برنامه‌ریزی قبلی شوهر خواهرشان را که با خواهر ایشان بدرفتاری می‌کرد، به قتل رساندند و در کشور سوریه در محاکمه‌ای غیابی به موجب ماده ۵۳۵ قانون کیفری سوریه به مجازات اعدام محکوم گردیدند. آنها در سال ۲۰۰۰ به کشور سوئد رفتند و چندین بار از مقامات آن کشور تقاضای پناهندگی نمودند که درخواستشان رد شد و نهایتاً دولت سوئد دستور اخراج آنها را به سوریه صادر نمودند. (Council of Europe, 2006:4-17)

ب- پرونده اسماعیلی دولت آلمان

پرونده حاضر که در سال ۲۰۰۱ در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح گردید بدین شرح می‌باشد: اسماعیل اسماعیلی خواهان پرونده که تبعه کشور مراکش است، در آلمان بازداشت می‌شود تا به کشور مراکش که در آنجا مرتکب جنایتی شده است، مسترد گردد.

وی به کشور آلمان تقاضای پناهندگی می‌دهد که در پی آن تقاضای ایشان مورد قبول واقع نگردیده و رد می‌شود، که پس از شکایت در مراجع داخلی و رد درخواست پناهندگی‌اش به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت می‌کند وی ادعا می‌کرد که استردادش به مراکش از آنجایی که او را در معرض مواجهه با مجازات اعدام قرار می‌دهد، ناقض بند ۱ از ماده ۲ کنوانسیون می‌باشد؛ مضافاً

اینکه حتی اگر صرفاً برای مدتی محکوم به حبس گردد به علت شرایط بد بازداشت در زندان‌های مراکش ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص وی نقض خواهد شد. (UNHCR, 200-10-9-5-1:6) از این رو دیوان در خصوص ماده (۱) ۲ کنوانسیون و ماده ۱ پروتکل شماره ۶ آن که مجازات اعدام را نقض کرده است، از مقامات کشور مراکش تضمینات کاملی را اخذ نمود که این مجازات در ارتباط با وی اعمال نگردید. (G.Hood, 2004: 119) همچنین در مورد ادعای خواهان نسبت به نقض ماده ۳ کنوانسیون نیز دیوان نظر داد که هیچ دلیلی برای اینکه خواهان در زندان‌های مراکش در معرض خطر جدی بد رفتاری و شکنجه قرار دارد، وجود ندارد. (UNH-10-9-5-1:1-2006:CR) بنابراین آنچه که در قسمت اخیر ملاحظه شد، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نمایانگر این مطلب است که این دادگاه سعی دارد بین اراده حاکمیت‌ها و صیانت از حقوق بشر جمع نماید. بدین صورت که اگر کشور متقاضی اسرداد یا کشور مبدأ در موارد اخراج، ضمانت‌هایی در ارتباط با عدم نقض مواد کنوانسیون به کشور عضو کنوانسیون که نسبت به رعایت این موارد در خصوص افراد تحت قلمروش مسئولیت دارد ارائه دهد، اسرداد یا اخراج وی با مانع روبه رو نشده و انجام می‌پذیرد.

بند دوم

عدم اسرداد و اخراج به استناد ماده سوم کنوانسیون

ماده سه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، از جمله مواردی است که غالب کسانی که در خصوص اخراج یا اسرداد خویش به دادگاه اروپایی حقوق بشر، شکایت می‌نمایند به این ماده استناد می‌کنند. این ماده در مورد ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز است و هیچگونه محدودیت یا استثنائی برای این حق قائل نشده است. این ماده به غیر از شکنجه، در موارد خشونت شدید پلیس و شرایط بد بازداشتگاه نیز اعمال می‌شود. (<http://en.wikipedia.org>)

۱. لازم به ذکر است که در زمان این تصمیم دادگاه یعنی ۱۵ مارس سال ۲۰۰۱ پروتکل شماره ۱۳ تصویب نشده بود.

۲. ماده سوم: «هیچکس نباید تحت شکنجه و رفتار یا مجازات‌های غیرانسانی یا تردیلی قرار گیرد». دیوان اروپایی حقوق بشر در این خصوص تأکید می‌کند که ماهیت اساسی ماده سه این است که ممنوعیت ذکر شده در این ماده صرف نظر از رفتار قربانی، ممنوعیتی مطلق است. همچنین دیوان در موارد بسیاری حکم داده که کشورها نباید اشخاصی که ممکن است موضوع شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی و یا تحقیرآمیز در کشور گیرنده قرار بگیرند، را اخراج یا اسرداد نمایند. البته در ابتدا دیوان مواردی را که مشمول موضوع شکنجه می‌گردید به صورت

مضیق تفسیر می‌نمود؛ بدین معنا که در ابتدا حکم می‌داد که روش‌هایی مانند محرومیت از خواب، قرار دادن افراد در معرض سر و صدای شدید و اینکه از آنها بخواهند در مقابل دیوار بایستند و دستان خود را برای مدت زمان طولانی باز نگهدارند شکنجه تلقی نمی‌شود که البته این معنا به مرور زمان دچار تغییرات اساسی گردید. واقعیت این است که ممنوعیت شکنجه شامل مواردی هم می‌باشد که احتمال جدی وجود دارد که اخراج و استرداد فرد، وی را در معرض شکنجه قرار دهد (Delmas-Marty, 2002: 174) این مسئله در کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها و رفتارهای بی‌رحمانه و غیر انسانی نیز ذکر شده است. بر اساس بند یک از ماده سه کنوانسیون اخیرالذکر، کشورهای عضو نباید فردی را که احتمال جدی و قابل توجه در معرض شکنجه قرار گرفتن وی وجود دارد، به کشور شکنجه‌گر اخراج نمایند. همچنین این ماده استرداد مجرمان در معرض شکنجه را منع کرده است. پیش‌بینی این مسأله در کنوانسیون ۱۹۴۸ این سند را در شمار اسناد حقوق بشری که می‌تواند مستند تقاضای پناهندگی قربانیان احتمالی شکنجه باشند، قرار می‌دهد. (قاری سید فاطمی، ۱۳۶۶) در این خصوص در دادگاه اروپایی حقوق بشر به استناد نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرونده‌های زیادی منجر به رأی گردیده، که از آن جمله پرونده‌های سعدی علیه کشور ایتالیا، چاهال علیه کشور انگلستان، جباری علیه کشور ترکیه، سوئرینگ علیه کشور انگلستان، کروز و آراس و دیگران علیه کشور سوئد و یلواراجا و دیگران علیه کشور انگلستان، آمکرن علیه کشور انگلستان. حال با عنایت به موارد فوق‌الذکر به بررسی دو پرونده از ده‌ها پرونده‌ای که در خصوص عدم اخراج و استرداد به استناد نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح شده است، می‌پردازیم. (Lambert, 1999: 427)

الف: پرونده سوئرینگ علیه دولت انگلستان

این پرونده یکی که از مهمترین موارد ذکر شده در ارتباط با نقض ماده سه کنوانسیون در بسیاری از کتب حقوق بشری است، بدین شرح می‌باشد: آقای جان سوئرینگ متولد ۱۹۶۶ با تابعیت آلمانی که از سن ۱۱ سالگی در آمریکا زندگی می‌کرده است، در این کشور با معاونت نامزدش الیزابت هایسون، والدین وی را به علت مخالفت با رابطه ایشان، به قتل می‌رسانند و سپس به اروپا فرار می‌کنند و در انگلستان بازداشت می‌شوند. دادگاه استان «بدفورد» علیه ایشان اعلام جرم قتل عمد می‌نماید؛ و در پی آن ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ با استناد به معاهده استرداد بیندو کشور انگلیس و ایالات متحده درخواست استرداد وی را از دولت انگلستان می‌نماید. (Nijhoff, 1993: 180) براین اساس سوئرینگ نیز درخواست تجدید نظر نموده، دادگاه نیز

در رسیدگی به ماده ۴ معاهده فوق‌الذکر استناد می‌کند، که در آن تصریح شده بود، درخواست استرداد برای خطایی که مجازات آن اعدام است در صورتی که کشور متقاضی استرداد، ضمانت دهد که مجازات اعدام را عملی نکند، می‌تواند پذیرفته شود. (Bandura, 1995: 305) سرانجام درخواست تجدید نظر سوئینگ نیز رد شد. عاقبت سوئینگ ادعای (خود را در کمیسیون اروپایی حقوق بشر مطرح نمود و اظهار داشت که اگر به آمریکا مسترد شود، با رفتار غیر انسانی و ترذیلی مغایر با ماده سوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین به احتمال زیاد با مجازات اعدام مخالف ماده دوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مواجه می‌شود. این موضوع پس از بررسی و تأیید در کمیسیون به دیوان اروپایی حقوق بشر ارجاع شد. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در تاریخ ۷ جولای سال ۱۹۸۹ رأی خویش را صادر نموده و در آن تصریح کرد که هرچند اصل موضوع استرداد سوئینگ، به تنهایی باعث نقض ماده ۳ نمی‌باشد؛ لکن اگر استرداد، فرد را در معرض اعدام و خطر واقعی رفتار غیر انسانی یا ترذیلی قرار دهد، دولت مسترد کننده مسئول نقض ماده ۳ کنوانسیون خواهد بود. همچنین دیوان برای نقض ماده سه چهار فاکتور را بررسی نمود: ۱- مدت زمان بازداشت موقت برای اعدام ۲- شرایط و روش مرگ ۳- شرایط روحی متهم ۴- امکان استرداد به آلمان. نهایتاً دیوان اروپایی حقوق بشر نتیجه گرفت که روش اعدام در این شرایط همراه با اضطراب مداوم از اجرای مجازات اعدام خواهد بود و با در نظر گرفتن شرایط مجرم ناشی از سن و شرایط روحی او در زمان ارتکاب جرم، استرداد سوئینگ به آمریکا او را در معرض خطر واقعی رفتاری غیر انسانی و ترذیلی و همچنین به دلیل وجود مجازات اعدام در ایالات متحده، او را در معرض مجازات اعدام قرار می‌دهد. (Schabas, 2002: 271) در نهایت دیوان اروپایی دولت انگلیس را ملزم می‌کند که ضمانت‌هایی را از ایالات متحده در خصوص عدم استفاده از مجازات مرگ و رفتار مغایر با کنوانسیون، طلب نماید. براین اساس، دولت انگلستان از ایالات متحده ضمانت‌هایی جهت تضمین عدم اعمال مجازات اعدام در مورد سوئینگ را اخذ و او را در سال ۱۹۹۰ به ایالت ویرجینیا مسترد نمود و متعاقباً دادگاه «ویرجینیا» وی را به دو بار حبس ابد محکوم نمود و هم اکنون او در حال گذراندن محکومیتش می‌باشد. (Lawson, 1999: 328)

ب: پرونده خانم الیف پلیت علیه دولت آذربایجان

این پرونده که البته در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح نشده، نمایانگر این مطلب است که تعدد استناد به ماده ۳ کنوانسیون به گونه‌ای است که حتی دولت‌هایی که عضو اتحادیه اروپا نیستند و کنوانسیون را هم تصویب نکرده‌اند، به عنوان قاعده‌ای عرفی آن را پذیرفته به آن استناد می‌نمایند. روند این پرونده بدین شرح می‌باشد. (Barkhuysen, 2006: 423)

خانم یلف پلین در سال ۱۹۷۲ در ترکیه به دنیا آمده و اصالتاً کرد می‌باشد. ایشان از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ در ترکیه به اتهام فعالیت تروریستی و عضویت در گروه پ ک ک در ترکیه بازداشت شد که در نهایت توسط دادگاه استانبول تبرئه و آزاد گردید. او ادعا می‌کرد که در زمان بازداشت شکنجه شده ولی هیچگونه دلیلی بر ادعای خود ارائه ننموده است. مشارالیه در سال ۱۹۹۸ به آلمان فرار کرده و موفق به اخذ پناهندگی از آن کشور گردید و در سال ۲۰۰۲ به عنوان یک روزنامه نگار برای خبرگزاری کردی شروع به کار نمود و در سال ۲۰۰۳ که برای پوشش خبری اخبار به موصل عراق اعزام شده بود، توسط افراد ناشناس مورد حمله قرار گرفت و مدارک مسافرتی‌اش به سرقت رفت. خانم پلین در ۶ نوامبر ۲۰۰۴ وارد جمهوری آذربایجان شد و در آنجا به هنگام تماس با سفارت آلمان جهت اخذ پاسپورت، پلیس آذربایجان او را به علت ورود غیرقانونی به کشور بازداشت نمود و در ۳ دسامبر ۲۰۰۴ دادگاه منطقه استانبول به علت نقش او در فعالیت‌های تروریستی برای پ ک ک به هنگامی که به عنوان یک روزنامه نگار به شمال عراق رفته بود، او را غیابی به ۱۰ سال حبس و یک بار اعدام محکوم کرده و همچنین درخواست استرداد ایشان را از دولت آذربایجان می‌کند. در پی این درخواست در ۲ ژوئن ۲۰۰۵ دادگاه بدوی در آذربایجان حکم استرداد وی را به ترکیه صادر می‌نماید. (<http://www.unhcr.org>)

بند سوم

عدم استرداد و یا اخراج به استناد ماده هشتم کنوانسیون

ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد حق احترام به زندگی خانوادگی، حریم خصوصی، خانه و مکاتبات خصوصی است. این ماده استثنائات مشخصی مانند پیش‌بینی توسط قانون و لزوم در یک جامعه دموکراتیک و... را نیز در نظر گرفته است. همچنین در حالی که ماده ۸ کنوانسیون، حق مطلق را برای اشخاص پیش‌بینی نکرده است؛ تعهدات قطعی و مسلمی را برای کشورها ایجاد نموده است. (Council of Europe, 1985:206) نکته دیگر اینکه دیوان اروپایی حقوق بشر برای حمایت از زندگی خانوادگی و حریم خصوصی در این ماده تفسیر موسعی ارائه می‌نماید. برای مثال، دیوان اروپایی حقوق بشر، در قضیه داجن علیه انگلستان در سال ۱۹۸۱ ممنوعیت اعمال همجنس‌گرایانه در ایرلند شمالی، را ناقض این ماده دانسته است. (Harris-2007:51) بحثی که اینجا مطرح می‌شود این است که دیوان در دعوی استنادی به این ماده باید بین دو گروه از منافعی که با هم رقابت می‌کنند:

۱- ماده هشتم: هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات

وی حفظ شود.

۲- مرجع عمومی نباید هیچ مداخله‌ای در اعمال این حق کند، مگر آنچه طبق قانون باشد و در جامعه دموکراتیک به جهت مصالح امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد (Mole, 2007:79) تعادل برقرار نماید؛ این منافع عبارتند از: الف- حقوق شخصی و زندگی خانوادگی افراد ب- منافع جامعه. در این خصوص دادگاه اروپایی حقوق بشر بین مواردی که بیگانه‌ای (غیر تبعه) برای تجدید دیدار با خانواده‌اش داخل قلمرو کشور عضو کنوانسیون می‌شود؛ و موارد استرداد یا اخراج تمایز قائل می‌شود. به طور مثال، در خصوص موضوع حق ورود کسی که به لحاظ اعمال مجازات کیفری زندگی خانوادگی خود را از دست می‌دهد، رویکرد دیوان این چنین است که ابتدائاً به این مسئله پاسخ می‌دهد، که آیا منطقی است که زندگی خانوادگی او توسعه داده شود، در حالی که در جای دیگر به دلیل محکومیت کیفری دارای محدودیت‌های خاصی می‌باشد. لذا، در این مورد در نظر گرفتن حقوقی برای متقاضی حقوقی که در بند ۱ ماده ۸ ذکر شده بر خلاف منافع جامعه می‌باشد. (Zieck, 2010:615)

الف- پرونده آقای مورکانی علیه کشور فرانسه

آقای مورکانی تبعه کشور الجزایر است و در فرانسه متولد شده و زندگی می‌کند و در سال ۲۰۰۱ با یک شهروند فرانسوی ازدواج کرده و از او یک فرزند دارد. ایشان در سال ۱۹۹۲ مرتکب جرم قاچاق هروئین و در دادگاه به ۴ سال حبس محکوم شد. لذا دولت فرانسه به لحاظ جدی بودن جرم، علیرغم اینکه خانواده آقای مورکانی فرانسوی هستند، دستور اخراج وی را به کشور الجزایر صادر نمود. براین اساس ایشان پس از طی تمامی مراحل دادرسی داخلی، به استناد نقض ماده ۸ به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت نمود. دیوان نیز پس از بررسی پرونده در تاریخ ۵ جولای سال ۲۰۰۳ مبادرت به صدور رأی نموده و نقض ماده ۸ را تأیید و تأکید می‌کند که با توجه به ارتباط قوی او با کشور فرانسه و اینکه در آنجا متولد شده، درس خوانده و تشکیل خانواده داده، بیشتر وابستگی خانوادگی و اجتماعی او در فرانسه بوده است و به دلیل سابقه کیفری وی، زن و شوهر قادر نخواهند بود در الجزایر زندگی‌شان را از نو ایجاد کنند.

ب- پرونده مستقیم علیه کشور بلژیک

در این پرونده خواهان متولد و تبعه کشور مراکش است و به هنگامی که دو سال سن داشته است به همراه خانواده‌اش به بلژیک مهاجرت می‌نماید. سه تن از خواهر و برادرانش در بلژیک به دنیا آمده و برادر بزرگترش در حال حاضر ملیت بلژیکی دارد. آقای مستقیم تا زمان اخراج از بلژیک با جواز اقامت در این کشور زندگی می‌کرده و در سال ۱۹۸۱ برای ۱۴۷ مورد اتهام از جمله

۸۲ مورد سرقت، تحت تعقیب قرار گرفته و در سال ۱۹۸۴ دستور سلطنتی مبنی بر اخراج ایشان از بلژیک صادر شده است. (Lauterpacht, 1993:365-357) پی این فرمان ایشان به دیوان اروپایی حقوق بشر علیه کشور بلژیک شکایت نمود و ادعا کرد که مواد ۱۴ منع تبعیض حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد وی نقض گردیده است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در ۱۸ فوریه سال ۱۹۹۱ بدین صورت قضاوت نمود که، ماده ۱۴ کنوانسیون در خصوص خواهان، به این دلیل که او با نوجوانان بزهکار بلژیکی که از کشور اخراج نمی‌شوند، مقایسه نشده، نقض نگردیده است؛ ولی در مورد ماده ۸ کنوانسیون، دیوان نقض آن را به خاطر نامتناسب بودن دستور اخراج با هدف مجازات جرایم ارتكابی او و با عنایت به این نکته که ایشان از دوران کودکی در بلژیک اقامت داشته‌اند و تمام اعضای خانواده‌شان در این کشور ساکن هستند، تایید نمود. (<http://www.pili.org>)

ج- آمکرن علیه کشور انگلستان

حقوق فرزندش نقض شده است. نهایتاً این پرونده بین دو دولت به روش مسالمت آمیز و دوستانه حل و فصل شد و دولت انگلستان متعهد شد مبلغ ۳۷ هزار و ۵۰۰ پوند را به عنوان غرامت به ایشان پرداخت نماید. (Schabas, 2003:587)

بند چهارم

عدم استرداد و یا اخراج به استناد ماده سیزدهم کنوانسیون

ماده ۱۳ حق دسترسی مؤثر به مراجع قضایی را نزد مقامات ملی برای حقوقی که تحت مواد کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، پیش‌بینی می‌نماید. لذا براین اساس موارد نقض کنوانسیون به طور جداگانه قابل تعقیب خواهند بود. بدین معنی که به استناد این ماده هر کدام از حقوق مصرح کنوانسیون در مراجع داخلی قابل تعقیب خواهند بود. شعب عالی دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه کودلا علیه دولت لهستان در خصوص ماده سیزدهم این چنین بیان می‌نماید: هدف این ماده تهیه ابزاری است که افراد را برای اقامه دعوا در خصوص نقض کنوانسیون نزد مقامات ملی و دادگاه قادر سازد.

نتیجه گیری

امروزه دولتها برای مبارزه با جرم و جنایت در درون مرزهای یک کشور قوانین و مقرراتی را تدوین کرده و به تصویب می‌رسانند. لکن با اینکه تمامی تمهیدات بازدارنده علیه مرتکبین جرم برای ممانعت از فرار به سایر کشورها و تعقیب کیفری آنان به کار گرفته می‌شود، در بسیاری موارد تبهکاران پس از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن، به طرق مختلف به فرار از کشوری که در آن

مرتکب جرم شده‌اند، مبادرت می‌کنند که در این صورت هیئت حاکمه براساس قوانین و نظام-های حکومتی و به منظور صیانت از جامعه در برابر جرایم، این دسته از مجرمان را تحت تعقیب کیفری از طریق درخواست استرداد قرار می‌دهند و یا با اخراج آنها از کشور در صدد حفاظت از جامعه خویش در قبال این جرایم بر می‌آیند. از طرفی در بسیاری از مواقع تعقیب کیفری مجرم مسترد شده و یا اخراج وی او را با خطر مرگ، شکنجه، جدایی از خانواده و... مواجه می‌سازد؛ که صیانت از آنها در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عنوان اساسی‌ترین حقوق بشری موضوعیت داشته است. حقوقی که با عنایت به مفاد این کنوانسیون سوای از جرمی که متهم مرتکب آن شده است، می‌بایست از جانب همه افراد و کشورها رعایت گردد. بر این اساس، رویه‌ای در دیوان اروپائی حقوق بشر ایجاد گردیده و افراد به استناد نقض حقوق مندرج در کنوانسیون از ناحیه کشور متقاضی، (مانند حق حیات، منع شکنجه و...) درخواست عدم استرداد و یا عدم اخراج می‌نمایند و آن دادگاه نیز با در نظر گرفتن ادله ارائه شده از ناحیه شاکی صرف نظر از جرم ارتكابی، به بررسی آن می‌پردازد. در مواردی با اخذ ضمانت جهت احترام به مواد کنوانسیون و عدم نقض این مواد، از کشوری که فرد به آنجا مسترد و یا اخراج می‌گردد، به وظیفه خویش که صیانت از مواد کنوانسیون است عمل می‌نماید. در مواردی نیز که کشور مورد نظر حاضر به ارائه ضمانت نیست و یا اخذ این ضمانت‌ها ممکن نیست، با هدف حمایت از اشخاص تحت سیطره حمایتی کنوانسیون و جلوگیری از نقض این مواد، از استرداد و یا اخراج فرد به کشوری که در آن حقوقی که کنوانسیون به وی اعطاء نموده در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد، جلوگیری می‌نماید. واقعیت این است که در چنین مواردی همچون قتل، عضویت در گروه-های تروریستی، قاچاق مواد مخدر و سرقت و... بسیار طبیعی است که باید فرد مسترد و به مجازات مدنظر قانون کشور متبوعش برسد و عدم تحویل مجرم در این شرایط به بهانه حفظ حق حیات و سایر حقوق بشری مخالف حقوق بنیادین قربانیان جنایت مجرم و متضررین از جرم می‌باشد. لذا آنچه در این زمینه بیان شد نمایانگر این مطلب است که معیار در اینجا نه حقوق قربانیان که در برخی از این جرایم در اثر ارتکاب جرم از حقوق اولیه و انسانی خویش محروم شده‌اند؛ بلکه صرفاً حقوق خواهانی است که به دیوان اروپایی حقوق بشر مراجعه نموده، هر چند این خواهان حقوق انسان‌هایی را که از وقوع این جرایم متضرر شده‌اند را نقض نموده است.

منابع فارسی

کتاب

- آخوندی، محمد (۱۳۸۲)، **آئین دادرسی کیفری**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ هفتم
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۴)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، گنج دانش، چاپ پانزدهم
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۶)، **نهادها و سازو کارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، تهران
- عباسی، محمود (۱۳۷۳)، **استرداد مجرمی**، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول
- عمید، حسن (۱۳۶۹)، **فرهنگ عمید**، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم
- فاطمی شریعت پناهی، سید کاظم (۱۳۵۰)، **استرداد مجرمین**، چاپ حکمت، قم
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۶۶)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۲)، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات خورشید، چاپ اول

مقاله

- کرم زاده، سیامک (۱۳۸۱)، **کنوانسیون‌های ضد تروریسم و مسأله صلاحیت دولتها در تعقیب و مجازات متهمان بهارتکاب اعمال تروریستی**، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳۳

English Resources

Book

- Bandura, Albert, (1995), **Self efficacy in changing societies**, Cambridge University Press
- Barkhuysen, T, Emmerik, M.L. van (2006), **Accountability of the Judiciary on the National Level for Violations of the European Convention on Human Rights**, British Institute of International and Comparative Law
- Delmas-Marty, Mireille (2002), **towards a truly common law: Europe as a laboratory for legal pluralism**, Cambridge
- G. Hood, Roger (2004), **the death penalty: beyond abolition**, Council of Europe
- Harris, Phil (2007), **an introduction to law**, Cambridge University Press, seventh edition
- Houghton Mifflin Company (2004), **the American heritage college thesaurus**, Oxford University Press, first edition
- Kamminga, Menno T, (2001) **Lessons Learned from the Exercise of Universal Jurisdiction in Respect of Gross Human Rights Offenses**, Human Right Quarterly 23
- Lauterpacht, Elihu (1993), **International Law Reports**, Volume 92, Cambridge

University Press

- Mole, Nuala (2007), **Asylum and the European Convention on Human Rights**, Volume 88, Council of Europe
- Ovey, Clare. & White, Robin, Jacobs (2006), **White & Ovey: the European Convention on Human Rights**, Fourth edition, Oxford
- R. Mowbray, Alastair (2007), **Cases and materials on the European Convention on Human Rights**, Oxford, Second edition, New York
- Schabas, William (2002), **the abolition of the death penalty in international law**, Cambridge University Press, Third edition
- Schabas, William A (2003), **Indirect Abolition: Capital Punishment's Role in Extradition Law and Practice**, Loyola of Los Angeles International and Comparative Law Review, Vol. 25

Article

- Bassiouni, M. Cherif (1974), **The Penal Characteristics of Conventional International Criminal Law**, 15 Case Western Reserve Journal of International Law 29
- Lambert, Helene (1999), **The European Court of Human Rights and the right of refugees and other persons in need of protection to family reunion**, International Journal of Refugee law, Volume 11
- Langford, Peter (2009), **Extradition and fundamental rights: the perspective of the European Court of Human Rights**, The International Journal of Human Rights, Volume 13, Issue 4 September
- Zieck, Marjoleine (2010), **UNHCR and Turkey, and Beyond: of Parallel Tracks and Symptomatic Cracks**, International Journal of Refugee Law

Site

- Abdolkhani and Karimnia v. Turkey (2010), **Council of Europe: European Court of Human Rights**, available at: <http://www.unhcr.org>
- <http://www.unhcr.org>
- <http://cmiskp.echr.coe.int/> 2010
- Rick Lawson, & Henry G. Schermers (1999), **Leading cases of the European Court of Human Rights**, Ars Aequi Libri Simpo PDF Merge and Split Unregistered Version, available at: <http://www.simpopdf.com>
- Public interest law institute, available at: <http://www.pili.org/2010>
- Wikipedia the free encyclopedia, <http://en.wikipedia.org/> june, 2010.

Document

- Council of Europe (1994), **European Convention on Human Rights: collected texts**, Martinus Nijhoff Publishers
- Council of Europe (1985), **Collected edition of the travaux préparatoires of the European Convention**, Martinus Nijhoff
- Council of Europe (2006), **European Court of Human Rights, CASE OF BADER AND OTHERS v. SWEDEN**